

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

## نقش اقوام و طوایف در استان سیستان و بلوچستان و تاثیر آنها بر ایجاد امنیت پایدار در منطقه

مسعود فروزان نیا<sup>۱</sup>، یدالله دهقان<sup>۲\*</sup>، علی اکبر یاقوتی<sup>۳</sup>

۱- کارشناس ارشد اطلاعات

۲- کارشناس ارشد روابط بین الملل و مدرس دانشگاه

۳- کارشناس علوم سیاسی

### چکیده

این پژوهش با عنوان نقش اقوام و طوایف در استان سیستان و بلوچستان به دنبال یافتن این موضوع می باشد که چگونه اقوام و طوایف متعدد موجود در سطح استان می توانند باعث افزایش و یا کاهش سطح امنیت در استان بشوند و مهمترین مولفه های تاثیر گذار در این زمینه چیست؟ در این تحقیق ضمن بیان ساختار قومی و قبیله در استان سیستان و بلوچستان به مهمترین عوامل شکل دهنده ناسیونالیسم، چگونگی پراکندگی اقوام و طوایف در سطح استان، نقش مولوی های اهل سنت در برقراری امنیت در بین طوایف و به تبع آن کل استان و همچنین تاثیر طوایف بر ایجاد و پایداری امنیت در استان پرداخته شده است. آنچه که به عنوان موضوع اصلی در این تحقیق بیان می شود این است که رابطه امنیت اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان با اقوام و طوایف گوناگون موجود در آن چیست؟ البته فرض این تحقیق و پژوهش بر آن است که اقوام و طوایف استان به دلیل تعدد و پراکندگی در تمام سطح استان و در اختیار داشتن کامل بافت اجتماعی و فرهنگی استان تقریباً نقش اساسی و بی بدیلی در ایجاد امنیت در منطقه را دارند و البته همجواری استان سیستان و بلوچستان با کشورهای افغانستان و پاکستان که دارای نظام اجتماعی قومی و قبیله ای می باشند، شرایط اجتماعی و فرهنگی و جغرافیایی و اقتصادی خاص استان، دخالت مستمر کشورهای فرامنطقه ای در منطقه، وجود دو مذهب شیعه و سنی در استان و... از جمله مهمترین عوامل تحریک کننده اقوام و طوایف استان که نقش بالایی در ایجاد امنیت دارند می باشد. لذا با عنایت به موارد فوق و علم به منسجم بودن ساختار های قومی و قبیله ای در این استان می توان با بررسی دقیق مواضع، تفکرات، آداب و رسوم، شیوه های زندگی و راههای تامین مخارج و مایحتاج زندگی اقوام و طوایف استان راهکارهای موثر در ایجاد امنیت در سطح منطقه را که تحت تاثیر شدید نظام طایفه ای در این استان می باشد. را کشف و ضمن اجرایی نمودن آنها باعث فاصله گرفتن از نقاط تعارض و نزدیکی بیش از پیش اقوام و طوایف به یکدیگر و همچنین گرایش به سمت نظام اجتماعی و مدنی جامعه و در نتیجه ارتقاء سطح امنیت در استان شد.

**واژگان کلیدی:** قوم و قومیت، ساختار های قومی، ناسیونالیسم قومی، امنیت پایدار، نیروهای فرامنطقه ای

### مقدمه:

تکثر قومی - فرقه ای از شاخصه های بافت جمعیتی ایران و استان سیستان و بلوچستان است و دشمنان نظام اسلامی، با آگاهی از این ویژگی و بهره برداری هدفمند از ابزارهای جنگ روانی، همسو با گسترش تهدیدهای برون مرزی، برنامه ریزی می کنند تا ناسیونالیسم قومی و حمایت مادی - معنوی خزننده از جریان های افراطی و هابیت و سلفی گری را نیز در جهت گسترش اختلاف میان اقوام مختلف و همچنین شیعیان و سنی های داخلی و منطقه ای افزایش دهند که در صورت عدم تبیین یک

راهکار یا راهبرد مناسب، می‌تواند وحدت، همبستگی و انسجام ملی را به ویژه در استان سیستان و بلوچستان با مولفه‌های متعدد قومی و مذهبی که دارد با چالش روبرو کند که در صورت تحقق می‌تواند، تهدیدهای جدیدی را علیه امنیت استان و کشور به وجود آورد.

در شرایط کنونی، هدف اصلی آمریکا، انگلستان و اسرائیل از گسترش واگرایی‌های قومی - فرقه‌ای، تضعیف اقتدار و مشروعیت سیاسی - ایدئولوژیک حاکمیت، افزایش ناامنی در داخل و جلوگیری از شکل‌گیری یک نظام امنیت دسته‌جمعی در سطح استان سیستان و بلوچستان است؛ برای مثال یکی از ابزارهای تهاجم نرم افزاری انگلستان، از اوایل قرن بیستم تاکنون، ایجاد اختلافات شدید قومی و مذهبی و دخالت موثر در تقسیمات جغرافیایی میان کشورهای ایران، افغانستان و پاکستان به خصوص در منطقه بلوچستان آنها بوده است و مشاهده می‌شود که در شرایط حساس کنونی نیز، رگه‌هایی از این سیاست، به صورت هدفمند و مدیریت شده علیه نظم و امنیت داخلی استان و تمامیت ارضی کشور در منطقه در حال برنامه‌ریزی است. چراکه وجود تعداد زیادی از اقوام و طوایف مختلف در سطح استان سیستان و بلوچستان که به دو طیف بزرگ شیعه و سنی تقسیم می‌شوند و دارای اختلافات زیادی از لحاظ منش و مرام با یکدیگر هستند، بعضاً منجر به یکسری مسائل از قبیل: مسائل مالی، اختلافات اراضی، ناموسی و... می‌شود و مشکلاتی را بین آنها به وجود می‌آورد که گاهی سالها این مشکلات و اختلافات بطول می‌انجامد و منجر به درگیریهای مسلحانه و غیر مسلحانه می‌گردد که قتل و خون‌ریزی را هم بدنبال دارد که قطعاً این گونه مسائل باعث پایین آوردن سطح امنیت در استان شده و در این صورت تنها دشمنان نظام که همواره به دنبال ایجاد آشوب و تنش در سطح منطقه بوده‌اند خوشحال و از این موضوع سود خواهند برد.

## بنیان‌های نظری تحقیق

بررسی مسائل قومی و قبیله‌ای یکی از مباحث بسیار مهم در حوزه مطالعات اجتماعی می‌باشد. در این قسمت به عنوان بنیان نظری تحقیق سعی شده تا به بررسی مفهوم قومیت، ساختارهای قومی و قبیله‌ای و نظام اجتماعی حاکم بر روابط طایفه‌ای و چگونگی اداره آنها و نحوه تاثیر گذاری بر امنیت بحث شود که در این راستا از نظریات استبداد شرقی منتسکیو و نظام ۵ گانه دیوید آپتر کمک می‌گیریم، که چگونه ساختار قدرت را در جوامع به ویژه جوامع آسیایی مورد توجه قرار داده‌اند و نظام اجتماعی را به چه نحو قابل هدایت و کنترل می‌بینند.

### نظریه استبداد شرقی منتسکیو:

منتسکیو با بررسی ویژگی‌های جغرافیایی اروپا و آسیا ضمن بیان ویژگی‌های ساختاری جوامع در این ۲ قاره بیان می‌دارد که جوامع اروپایی مبتنی بر زندگی و جامعه مدنی استوار است و در این جوامع مردم خیلی سریع در ساخت اجتماع مدنی جذب شده و اساس زندگی بر اساس قانون مدون حکومتی می‌باشد ولی این روند در کشورهای آسیایی به گونه‌ای دیگر است و بیان می‌دارد که حکومت در کشورهای آسیایی باید از نوع استبدادی و سیاسی بسته باشد چرا که مردمان ساکن در کشورهای آسیایی به سبب نوع جغرافیای موجود در این منطقه همواره قانون‌گریز هستند و اگر ساخت قدرت اجتماعی استبدادی و بسته و طایفه‌ای نباشد امکان اداره جامعه وجود نخواهد داشت. لذا حکومت در کشورهای اروپایی مبتنی بر قانون و در کشورهای آسیایی مبتنی بر زور و استبداد می‌باشد.

### نظام‌های چهار گانه دیوید آپتر:

دیوید آپتر نظام‌های موجود در جهان را به ۴ دسته ۱- قبیله‌ای ۲- نظام‌های مبتنی بر بسیج ۳- نظام اقتدارگرای بوروکراتیک ۴- نظام مصالحه‌گرا تقسیم بندی می‌کند.

وی در ساخت نظام قبیله‌ای و طایفه‌ای بیان می‌دارد که در این گونه نظام‌های ساخت قدرت سیاسی در جامعه کاملاً بسته و فقط یک نفر به نام رئیس قبیله یا طایفه در راس قدرت طایفه قرار دارد و تمام تصمیمات با وی می‌باشد و سایر اعضای قبیله یا

طایفه که ممکن است بر اساس رابطه خوشیاوندی در قبیله و طایفه عضو هستند مجبور به اطاعت از رئیس قبیله هستند و مسئولیت‌ها در طایفه و قبیله بر اساس ارادت و نزدیکی افراد قبیله به رئیس قبیله واگذار می‌گردد. (ساعی، ۱۳۸۸: ۱۵۹)

با توجه به مسائل و موارد مطرح شده در این قسمت در ادامه تحقیق به وضوح مشاهده خواهد شد که نظریات دانشمندان فوق در خصوص ساختار نظام اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان و به خصوص در ساخت نظام طایفه ای و قومی کاملاً دلالت دارد و از الگوهای فوق پیروی می‌کند.

## پیشینه تحقیق:

تا کنون در زمینه بررسی مسائل قومی و قبیله ای در سطح استان سیستان و بلوچستان آثار متعددی تهیه و تدوین شده است که از آن جمله می‌توان به مقالات و کتب افرادی از قبیل دکتر مجتهد زاده، دکتر سید سجادی، سربازی، افشار سیستانی، عبدالغنی دامنی، کاویانی راد و... اشاره کرد که در زمینه‌های مختلف مسائل قومی و قبیله ای در استان سیستان و بلوچستان قلم فرسایی کرده اند و لکین در هیچ کدام از این آثار به طور دقیق و کامل در خصوص جایگاه و نقش اقوام و طوایف استان سیستان و بلوچستان در ایجاد نظم و امنیت پایدار مطالب جامع و کاملی بیان نشده و به این موضوع مهم به صورت همه جانبه پرداخته نشده است که در این تحقیق سعی خواهد شد با بکارگیری کلیه جوانب امر به بررسی دقیق این موضوع پرداخته شود.

## روش تحقیق:

باعنایت به نوع تحقیق و مطالب مد نظر برای ارائه در این تحقیق بهتر دیده شد که روشی که در این تحقیق مورد استفاده قرار بگیرد روش توصیفی-تحلیلی باشد.

## فرضیه های تحقیق:

- ۱- اقوام و طوایف استان به دلیل تعدد و پراکندگی در تمام سطح استان و در اختیار داشتن کامل بافت اجتماعی و فرهنگی استان تقریباً نقش اساسی و بی بدیلی در ایجاد امنیت در منطقه را دارند.
- ۲- همجواری استان سیستان و بلوچستان با کشورهای افغانستان و پاکستان که دارای نظام اجتماعی قومی و قبیله ای می‌باشند تاثیر بسزایی بر اقوام و طوایف استان و نحوه فعالیت آنها در نظام امنیتی و اجتماعی استان دارد.
- ۳- شرایط اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی خاص استان، دخالت مستمر کشورهای فرامنطقه ای در منطقه و حضور دو مذهب شیعه و سنی در استان تاثیر بالایی در ایجاد نظم و امنیت توسط قبایل و طوایف در سطح استان می‌گذارد.

## بخش اول: قبیله گرایی و مولفه های آن در استان سیستان و بلوچستان

### الف) معرفی استان سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان در جنوب خاوری ایران و در مختصات جغرافیایی ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۸ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۲۱ دقیقه طول خاوری از نصف النهار گرینویچ واقع شده است و مرکز آن شهرستان زاهدان می‌باشد استان سیستان و بلوچستان با جمعیتی در حدود ۲۷۳۳۲۰۵ نفر و، وسعتی حدود ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع، ۱۱/۴ درصد از مساحت کل کشور را تشکیل داده است. مساحت مناطق خشکی استان ۱۷۸۴۳۱ کیلومتر مربع و مساحت مناطق آبی استان ۷۱ کیلومتر مربع است. این استان پهناور از شرق با کشور پاکستان ۹۰۰ کیلومتر و با کشور افغانستان ۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک و در قسمت جنوب با دریای عمان به طول تقریبی ۲۷۰ کیلومتر مرز آبی دارد. این استان از قسمت شمال و شمال غربی با خراسان جنوبی به طول ۱۹۰ کیلومتر و از غرب با استان کرمان به طول ۵۸۰ کیلومتر و با استان هرمزگان به طول ۱۶۵ کیلومتر همجوار است. مرزهای طولانی آبی (حدود ۳۰۰ کیلومتر) و مرزهای خشکی استان (حدود ۱۸۰۰ کیلومتر) با کشورهای افغانستان، پاکستان و کشورهای حوزه خلیج فارس، موقعیت ویژه ای را به آن

بخشیده و سبب ایجاد شرایطی خاص شده است. چندگانگی و تنوع مذهبی، گویشهای مختلف و نمود تعلقات قومی و قبیله‌ای از دیگر ویژگیهای اجتماعی این استان است. حداقل ارتفاع استان از سطح دریا ۷ متر مربوط به شهرستان چابهار و حداکثر ارتفاع آن از سطح دریا ۱۴۰۰ متر مربوط به شهرستان خاش می باشد. استان سیستان و بلوچستان به طور کلی از دو ناحیه سیستان و بلوچستان تشکیل یافته است در استان سیستان و بلوچستان به عنوان یک استان قومی و مذهبی اقوام مختلفی زندگی می کنند که بلوچها بیشتر در جنوب و سیستانیها در شمال استان و سایرین نیز بطور پراکنده در قسمتهای مختلف استان زندگی می نمایند که از نظر جمعیتی بترتیب اکثریت عبارتند از: اقوام بلوچ، اقوام سیستانی، سایر اقوام (بیرجندی ها - یزدی ها - ترکها و .....). در بررسی بعمل آمده مشخص شده که در سطح استان تعداد ۳۶ قوم و طایفه اصلی (بر اساس پراکندگی مشخص شده در نقشه صفحه ۹) زندگی می کنند. ولیکن نکته قابل توجه این است که درصد حضور اقوام مختلف در شهرستان مرکز استان تقریباً "بصورت مساوی است". (شه بخش، ۱۳۷۷: ۸)

## ب) قوم و قومیت در استان سیستان و بلوچستان

### ۱) تعریف قومیت:

واژه قومیت بیشتر استفاده کاربردی دارد و برداشت‌های متفاوتی از آن صورت گرفته است. در این میان تعریف آنتونی اسمیت دارای کاربرد بالایی است که می گوید: «قوم عبارت از یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجدادی مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت است» که عناصر محوری هویت، اعتقاد، آگاهی و فرهنگ مشترک را داراست. (ایوبی، ۱۳۷۷: ۲۵)

### ۲) ساختار قومیتی در استان سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان به عنوان یکی از استان های مرزی کشور جمهوری اسلامی ایران از جایگاه ویژه ای در زمینه مسائل قومی و مذهبی بر خوردار است چرا که در این استان از سالیان طولانی به دلیل عوامل مختلفی از قبیل دخالت دولتهای استعماری و جنگ های رخ داده بین ایران با کشور های منطقه تغییرات زیادی در نحوه چینش و حضور قبایل به وجود آمده است و از طرفی همسایگی ایران با دو کشور افغانستان و پاکستان که هنوز در بسیاری از مناطق آن نظام اجتماعی قبیله و طایفه به قوت خود باقی است تاثیر فراوانی را بر استان سیستان و بلوچستان گذاشته است. در این استان از سالیان دور اقوام و طوایف به صورت مجزا و البته در ارتباط با یکدیگر زندگی می کرده اند نظام سیاسی قبیله از نوع بسته بوده و در راس هرم قدرت قبیله و طایفه یک ریش سفید یا بزرگ به عنوان رئیس قبیله یا طایفه حضور داشته است و همه افراد قبیله ضمن احترام گذاشتن به وی مجبور به اطاعت بی چون و چرا از او بوده اند و البته حرف رئیس قبیله نیز به طور کامل نافذ بوده است. در نظام قبیله ای استان سیستان و بلوچستان رئیس قبیله تصمیم گیرنده و مغز متفکر قبیله می باشد و البته بسیاری از مسائل و مشکلات نیز به یمن حضور تلاش های وی بر طرف می گردد اقوام و طوایف استان سیستان و بلوچستان به لحاظ نامناسب بودن شرایط اقلیمی و جغرافیایی اغلب درآمد خود را از راههایی مانند کشاورزی های مصرفی، دام پروری سنتی و متاسفانه بعضاً نیز قاچاق مواد مخدر، قاچاق سوخت، قاچاق کالای ضروری مانند برنج، چای و البسه از کشور های افغانستان و پاکستان بدست می آورند و البته با توجه به خصوصیات خاص مذهبی خود که بیشتر آنها اهل سنت می باشند انجام این امور را برای رفع نیاز های زندگی خود کاملاً حلال و مجاز می دانند و از تفکرات خاصی بر خوردا بوده و دارای عرق طایفه ای خاصی می باشند. (احمدی، ۱۳۷۹: ۸۵)

علیهذا در ذیل به مهمترین عوامل شکل گیری ناسیونالیسم قومی در این استان می پردازیم:

### ۳- عوامل شکل گیری ناسیونالیسم قومی در استان سیستان و بلوچستان:

عوامل مؤثر بر شکل گیری یا تشدید ناسیونالیسم قومی در جامعه چند قومی استان سیستان و بلوچستان به شرح ذیل می باشد:

۱. اولین و مهمترین عامل در این رابطه مذهب می باشد زیرا در این استان اقوام و طوایف به خصوص قوم بلوچ از نظر مذهبی با سایر اقوام متمایز و در اکثریت می باشند.

۲. دومین عامل روحیات برتری جوی و برتر بینی نسبت به یکدیگر، زیرا معمولاً براساس سنت طوایفی که دارای جمعیت و ثروت بیشتری باشند خورا برتر از دیگر طوایف می‌دانند.
۳. افکار و عقاید خاص بلوچی مانند احترام به ریش سفیدان طایفه و توجه بی‌قید و شرط به دستورات آنها، ازدواج‌های دورن طایفه ای، نوع پوشش و لباس و..
۴. تاثیر افکار اقوام حاضر در کشورهای همسایه به ویژه در کشور پاکستان که با توجه به قرار گرفتن اکثریت قوم بلوچ در کشور پاکستان معمولاً طوایف بلوچ ساکن در ایران تاثیر پذیری زیادی از آن سوی مرز دارند تا از دورن کشور.
۵. تبعیضات موجود در جامعه که یکی از عوامل بروز انسجام و تعصبات قومی است و با توجه به وجود برخی محدودیت‌ها در زمینه استخدام و همچنین شرایط نامساعد اکثریت مردم از لحاظ اقتصادی خواه ناخواه به سمت انجام مشاغل کاذب نظیر قاچاق روی می‌آورند و با توجه به رویکرد مقابله‌ای دولت با این پدیده در سطح استان این موضوع باعث موضع‌گیری اقوام بلوچ و گرایش به سمت یکدیگر در برابر دولت منجر می‌شود.
۶. تاثیر پذیری از القانات کشورهای فرامنطقه‌ای که با توجه به حضور برخی از گروه‌های استقلال طلب بلوچ در کشورهای همسایه به ویژه پاکستان و تبلیغات مستمر و مداوم آنها در راه تظلم‌خواهی و حق‌طلبی اقوام بلوچ در ایران باعث به وجود آمدن برخی موضع‌گیری‌های اقوام بلوچ در استان سیستان و بلوچستان در برابر دولت شده است.
۷. تلاش برای کسب موقعیت بهتر و بالاتر و گسترش حوزه نفوذ و قلمرو.

## ج) تقسیم بندی طوایف و قبایل در استان سیستان و بلوچستان

### ۱) اقوام و طوایف در منطقه سیستان

از ویژگی‌های مهم سیستان و بلوچستان ساختار اجتماعی آن است. و بافت اجتماعی جامعه سیستان و بلوچستان از طوایف مختلفی تشکیل شده است. سیستانی‌ها از اقوام ایرانی و از نژاد آریایی هستند. این قوم از نژاد آریا بهتر از مردم سایر نقاط، زبان و خصوصیات کلی ایرانیان دوره‌ی هخامنشی را حفظ کرده‌اند. اکثریت جمعیت سیستان را اقوام و طوایف مختلف سیستانی (که قریب به ۷ طایفه اصلی و بیش از ۱۰۰ تیره هستند)، تشکیل می‌دهند. علاوه بر اقوام سیستانی و بلوچ، عده‌ای بیرجندی، قائنی، نهبندانی، کرمانی و غیره نیز به تدریج به سیستان مهاجرت کرده و در عمران و آبادی این سرزمین ایفای نقش نموده‌اند، که البته درصد آنها اندک است.

### ۲) اقوام و طوایف در منطقه بلوچستان

در منابع تاریخی و جغرافیایی فارسی و عربی نخستین سده‌های اسلامی در کنار بلوچان از قوم دیگری به نام کوچ یاد می‌کنند. نام این طایفه (کوچ) به شکل‌های گوناگون و اغلب همراه نام بلوچان آمده است. شکل‌های رایج و ثبت شده نام این قوم؛ بلوچ، کوفج، کفج، کوفچ، قبح، قفس و ققص می‌باشد؛ و جمع آن کوفجان و کوفچان و صورت رایج آن در فارسی کوچ و در عربی ققص است. نام کوچ همواره همراه نام بلوچ آمده و این نام آخری نخستین بار حدود سده چهارم هجری در تاریخ دیده شده که مردمی با این نام و نشان در دشتهای جنوبی کرمان و در دامن کوهستان بشارگرد پیدا می‌شوند. اینان در دشت بلوچ و قومی دیگر در کوهستان به نام کوچ مستقر می‌شوند. آنان تا سده‌های متمادی هم‌آوردان یکدیگر به شمار می‌آمدند و نام ایشان نیز مترادف یکدیگر یاد می‌شود (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۱۴۰).

ظاهراً وصلت قبایل با یکدیگر و سکونت یک طایفه در جاهای از هم دور، به تدریج موجب اختلاف در عده‌ی هر قبیله گردیده است و تقسیماتی فرعی بوجود آورده است. به عنوان مثال طایفه نارویی در بلوچستان، سیستان، افغانستان و اندکی در پاکستان نیز زندگی می‌کند. این تفرقه و تشتت ممکن است باعث تغییر نام ساکنان هر ناحیه شده باشد؛ به خصوص که برخی زبان مادری خود را کنار گذاشته و به زبان مردم محل تکلم می‌کنند. (محقق، ۱۳۸۲: ۹۵)

# بمایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و برهمنافت‌ها

۳۰ و ۳۱ فروردین ۱۳۹۱ - دانشگاه سیستان و بلوچستان

National Congress on Border Cities and Security; Challenges and Strategies – CBCS 2012

قوم بلوچ در سیستان بلوچستان، خراسان، مازندران، پاکستان، افغانستان و همچنین مرو و ترکمنستان ساکن هستند. لیکن درصد بلوچ‌ها در منطقه سیستان به نسبت کمتر می باشد. برهمنافت‌ها گروه عمده‌ای از بلوچ‌های سیستان بوده و در بیشتر نقاط سیستان خصوصاً در روستاهای لوتک و حسین‌آباد پراکنده اند. نقشه ذیل این پراکندگی‌ها را به صورت دقیق به نمایش می‌گذارد. (کریم پور، ۱۳۷۱: ۱۲۱)



درباره آمار دقیق جامعه بلوچ در جهان اطلاعات دقیقی در دست نمی باشد ولی آمارهای جست‌وگریخته‌ای در سال‌های مختلف در سطح دنیل منتشر شده است که جدول آن به شرح ذیل بیان می شود. (دامنی، ۱۳۸۰: ۲۷)

جدول پراکندگی قوم بلوچ در نواحی مختلف جهان

R	اسم کشور	نفوس بلوچها	سال احصائیه گیری
۱	بلوچستان پاکستان	۶ میلیون نفر	۲۰۰۲
۲	ایران	۱/۴ میلیون نفر	۱۹۹۸
۳	افغانستان	۲۰۰ هزار نفر	۱۹۹۸
۴	کشورهای عربی حوزه خلیج فارس	۱۵۰ هزار نفر	۲۰۰۰
۶	ترکمنستان	۷۵ هزار	۱۹۹۸
۹	عربستان سعودی	۱۲ هزار	۲۰۰۷
۱۰	صومالی	۸ هزار	۲۰۰۷

## د) ساختار قدرت در جامعه اقوام بلوچ

وجه مشترک زندگی اجتماعی بلوچ‌ها نظام ایلیاتی بوده است. در بلوچستان، «ذات» یا همان اصل و نسب تعیین کننده پایگاه اجتماعی افراد و گروه‌هاست. هویت یک فرد وابسته به ذاتی است که در آن متولد شده است و زندگی می‌کند. به طور کلی هر فرد بلوچ از هنگام تولد، یک وابستگی ذهنی ذاتی مشخص دارد و در نتیجه آن، هیچگاه خود را تنها و بی‌کس احساس نمی‌کند. اساس شکل‌گیری ذات، خون مشترکی است که در رگ‌های افراد وابسته به آن جریان دارد که نتیجه آن تعصب طایفه‌ای است. دل‌بستگی و تعصب طایفه‌ای چنان در میان بلوچ‌ها عمیق است که خوشنامی و بدنامی، پیروزی و شکست، راستی و ناراستی فرد در امور گوناگون، پیش از آنکه برای او سبب سربلندی و سرافکندگی باشد در کارنامه خانوادگی ذات ثبت می‌شود. فرودستان جامعه برای حفظ خود در شرایط دشوار زندگی، ناگزیراند به یکی از ذات‌های بالا وابسته باشند تا زیر چتر حمایت آنان قرار گیرند. ازدواج در میان ذات‌ها، درون گروهی است. گاهی نیز ذات‌های برتر با یکدیگر ازدواج کنند. غلامان، در زاده‌ها و استاها، ذات‌های پایین جامعه‌اند. ذات‌های بالاتر می‌توانند با زنان ذات‌های پایین ازدواج کنند اما بالعکس آن، ناممکن است. همبستگی و انسجام کلی ذات نتیجه پیوستگی درون ذات است. (غراب، ۱۳۸۹: ۱۶۰)

## ذ) نظام قشربندی و خویشاوندی در بلوچستان

نخستین اصطلاح نمادین سازماندهی اجتماعی بین عشایر بلوچ پدرتباری است. این اصطلاح از چندین لحاظ در مرتبه نخست قرار دارد. به نسب پدری، معمولاً قبل از هر اصطلاح نمادین دیگر اشاره می‌شود و این واژه برای مشخص ساختن بزرگترین و دربرگیرنده ترین گروه اجتماعی بکار برده می‌شود، همچنین برای تعریف پایدارترین گروه اجتماعی نیز به کار می‌رود. گروه‌های مشارکتی از طریق اصطلاح پدرتباری سازماندهی می‌شوند و هیچ اصطلاح دیگری مربوط به خویشاوندی و مذهب، قومیت و قلمرو بعنوان اساس گروه مشارکتی بکار نمی‌رود. روابط پدرتباری از مهمترین عوامل بشمار می‌روند و دو نیاز عمده را برطرف می‌سازند که عبارتند از: نظارت اجتماعی، کمک اجتماعی و اقتصادی که به دودمان‌های واگذار شده برپایه مسئولیت دسته جمعی و خودیاری قرار دارد. کمک اجتماعی و اقتصادی برپایه تشخیص منافع و مقابله به مثل قرار دارد و در محدوده‌های دودمان هدایت می‌شود. واژه ای که در مورد «تباری» بکار می‌رود، زنده است. رند برای نشان دادن یک قبیله کامل بکار می‌رود، اما تشخیص روابط خویشاوندی منحصر به آنهایی نیست که توسط نسب پدری تعیین می‌شوند. نظام قشربندی در نواحی مختلف بلوچستان و در بین طوایف متفاوت است. شمال و جنوب بلوچستان هر کدام سلسله مراتب خاص خود را دارند. (افشار، ۱۳۶۳: ۳۹)

## بخش دوم: رابطه امنیت اجتماعی در استان با اقوام و طوایف

### الف) جایگاه اقوام و طوایف در استان سیستان و بلوچستان در ایجاد امنیت در استان

با نگرش به خصلت‌های قوم بلوچ، واگرایی از قانون و حکومت مرکزی، نوعی عرف و عادت بوده و در واقع نوعی الگوهای قانونی است که نظم بیرونی جامعه را برقرار می‌کند. به دیگر سخن، واگرایی از حکومت نوعی بیگانگی نسبت به مشروعیت قوانین حقوقی در میان افراد جامعه و به ویژه میان کسانی است که در تشکلهای سنتی سیاسی و عشایری خود پرورش یافته‌اند. واگرایی از حکومت مرکزی گرچه به نوعی ناشی از بحران‌های ارزشی است، می‌تواند زمینه‌ساز این بحرانها نیز باشد. بدین سان که نپذیرفتن و مقبول نبودن قوانین حقوقی و قضایی در جامعه، باعث می‌شود اختلافات، بیرون از چارچوب قانونی حل و فصل شود و در نتیجه، میان حکومت قانونی و اقتدار سنتی ستیزی به وجود می‌آید که واگرایی را دامن زده و بحران را تشدید می‌کند. (جلایی پور ۱۳۷۲: ۳۱) به عنوان مثال در بحث مبارزه با قاچاق کالا با توجه به اینکه از نظر تعدادی از علماء اهل سنت قاچاق کالا امری خلاف به شمار نمی‌رود بلکه نوعی تجارت و کسب درآمد برای خانواده می‌باشد لذا برخی از مردم در تبعیت از این فتواها اقدام به قاچاق کالا می‌نمایند و همچنین مواردی دیگر در خصوص بحث ازدواج و طلاق نیز در بین اهل سنت رایج می‌باشد که با قانون جاری کشور در تضاد است.



همچنین علیرغم اینکه سال‌ها است دولت سیاست کنترل جمعیت و اهمیت ساماندهی زیرساخت‌های فرهنگی و اقتصادی جامعه را داشته لیکن اکثر اقوام و طوایف بلوچ به تبعیت از مولوی‌های خود بدون در نظر گرفتن عواقب اقتصادی و بدون توجه به زمینه‌های اقتصادی استان به زاد و ولد بی‌رویه اقدام می‌نمایند که باعث رشد ۴٪ جمعیت استان در ۱۰ سال گذشته شده است. به هنگام واگرایی، افراد به جای آنکه در محضر دادگاه و مراجع قانونی به حل و فصل اختلافات و دعاوی خود بپردازند، از مشورت و چاره‌جویی ریش سفیدان یاری‌جسته و یا خود به صورت اقدامات تلافی‌جویانه به درگیری‌های مسلحانه اقدام می‌نمایند که این موضوع علاوه بر اینکه باعث افزایش آمار درگیری‌های مسلحانه در استان شده است امنیت استان را نیز به شدت تحت الشعاع قرار داده و به دخالت و اقدام نیروی انتظامی و دیگر مراجع صلاحیت‌دار، برای حل مشکلات خود توجهی ندارند. اساساً ساختار اجتماعی در بلوچستان به دلیل پایداری و مقاومت ساخت طایفه‌ای و بافت اجتماعی، ساختاری سنتی و بسته است. بسته ماندن جامعه بلوچی، در ماهیت ویران‌کننده تهاجمات، ساخت اقتصادی منطقه، قشربندی اجتماعی، ساخت قدرت و باورهای مردم بلوچ ریشه دارد. ساخت طایفه‌ای و ذات محوری، یکی از ویژگی‌های اصلی جمعیت بلوچستان بوده است. در چنین زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، میزان پذیرش و مقبولیت دستورها و فرمانهای روسای طوایف و مولوی‌ها از حاکمیت و دستورات حکومتی بیشتر است، چنین وضعیتی از نفوذ حکومت و کارگزاران حکومتی در میان مردم می‌کاهد و مردم فقط در حوادث بزرگ و جنگ‌های قبیله‌ای به دادگاه مراجعه می‌کنند. گاهی در چنین ساختاری، اختلافاتی پدید می‌آید که حل آن به شیوه‌ای که طرفین دعوا تمکین کنند، قدرتی فراتر از حکومت را می‌طلبد. زیرا بافت اجتماعی و سنت‌های موجود در آنجا به اندازه‌ای قوی است که چه بسا روش‌های قانونی و حکومتی حل اختلاف به درگیری و کینه‌وزی بیشتر بیانجامد. در چنین زمانی، سرداران و ریش سفیدان محلی، نقش رهبران محلی و قضاوت مردمی را برعهده می‌گیرند و اصولاً حل اختلافات که زندگی خاصی می‌طلبد، متأثر از نفوذ چشمگیر این ریش سفیدان و زین هست که بارها توانسته طایفه‌ای را از شرایط بحرانی به درآورد. انتخاب ریش سفید عمدتاً موروثی و تابعی از شایستگی، اردانی، ایمان و شناخت قوانین شرع و نفوذ وی در طایفه بوده است. (براهویی، ۱۳۷۸: ۱۱)

اکنون با توجه به موارد فوق به جایگاه اقوام و طوایف در استان سیستان و بلوچستان در ایجاد امنیت در استان سیستان و بلوچستان می‌پردازیم در بحث ایجاد امنیت با توجه به آمیخته شدن دو مولفه اختلافات قومی و اختلافات مذهبی بر یکدیگر در استان می‌تواند یکی از زمینه‌های خطر ساز در بحث برقراری امنیت پایدار در استان و کشور باشد که این مهم از ۳ جنبه قابل بررسی می‌باشد و عوامل ذیل می‌تواند در این موضوع را تشدید نماید:

## ۱) تاثیر پذیری شدید اقوام و طوایف در استان سیستان و بلوچستان از رهبران مذهبی خود (مولوی‌ها):

همانطور که در قسمتهای قبلی نیز ذکر گردید جمعیت قالب اقوام و طوایف را در استان سیستان و بلوچستان اقوام سنی مذهب که دارای تفکرات و عقاید خاص و سنتی خود هستند تشکیل می‌دهند آنها برای ریش سفید و بزرگ طایفه خود احترام بسیار بالایی قائل هستند و به همان نسبت برای بزرگان دینی خود که در راس هرم قدرت در جامعه قبیله‌ای و طایفه‌ای می‌باشد. رهبرای مذهبی اقوام سنی در استان از جایگاه بسیار بالایی در بین کلیه اقوام طوایف برخوردارند و در بسیاری از مسائل و مشکلات کل جامعه طایفه‌ای استان اظهار نظر کرده و البته حرف آنها نافذ خواهد بود و در مقابل نیز اقوام و طوایف بدون در نظر گرفتن بسیاری از مسائل به صرف اینکه این مطلب از سوی مولوی و بزرگ اهل سنت مطرح شده است آن را می‌پذیرند و به مرحله اجرا در می‌آورند. و چه بسا بسیاری از مسائل و مشکلات به وجود آمده در سطح استان با مداخله مولوی‌ها تشدید و یا کاملاً خاموش و ساکت شده است که نمونه آن را می‌توان حوادث سال ۸۸ میدان کوثر زاهدان که پس از انفجار مسجد علی ابن ابی طالب (ع) به وقوع پیوست را نام برد. لذا این موضوع نشان می‌دهد که یکی از مولفه‌های بسیار تاثیر گذار در سطح استان در زمینه امنیتی به ویژه برای اقوام و طوایف سطح استان جایگاه مولوی‌ها اهل سنت و سخنان و راهنمایی آنها می‌باشد که می

توان از طریق برنامه ریزی در این زمینه و باز کردن راه تعامل و همکاری بیشتر با مولوی های اهل سنت به همان نسبت کنترل و تمرکز بیشتری را در خصوص مسائل امنیتی بر روی اقوام و طوایف سطح استان انجام داد. البته لازم به ذکر است که این جایگاه قوی و مناسب برای مولوی ها از دوران پس از انقلاب وزمانی که تا حدودی نظام طایفه ای و قبیله ای از آن شکل سرسخت خود اندکی فاصله گرفت بیشتر شد. (استاندار سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۹)

## ۲- تاثیر پذیری از کشور های خارجی و نیروهای فرامنطقه ای

همان طور که قبلا نیز اشاره شد با پیروزی انقلاب شکوهمند انقلاب اسلامی و پیگیری آرمان های اسلامی بعد از سال ها سرکوب و استعمار و استبداد این موضوع به کام دشمنان نظام و انقلاب خوش نیامده و همواره به دنبال جلوگیری از حرکت و پیشرفت ملت ایران بوده که علاوه بر حمله مستقیم با شناسایی نقاط ضعف و ضربه پذیری جمهوری اسلامی سعی در مقابله با ایران را داشته اند که یکی از اهداف آنان ایجاد اختلاف قومی مذهبی در داخل کشور معطوف نمودن انرژی نخبگان به درگیری داخلی و مرزی می باشد که در استان سیستان و بلوچستان این موضوع در دهه اخیر نمود بیشتری پیدا کرده است زیرا امپریالیسم آمریکا که در ابتدا از عمق تفکرات طالبان غافل بوده و تنها با توجه به تفکرات ضد شیعی آنان با کمک اطلاعاتی باعث رشد و پیروزی این گروه در افغانستان شد و سیاست نامنی مرزهای شرقی کشور را دنبال می نمود امام به دنبال حادثه ۱۱ سپتامبر با حمایت از گروههای معاند و مخالف نظام مخصوصا گروهک جنرالشیطان سعی در برافروختن جنگ قومی مذهبی و نا امن نمودن استان را داشته اند. اما نکته حائز اهمیت در خصوص امنیت استان سیستان و بلوچستان بحث مذهبی می باشد و در این مورد با توجه به گسترش علم و تکنولوژی و ارتباطات مردم از طریق رسانه های علاوه بر تحریک مذهبی اقوام و طوایف ساکن استان توسط نیروهای آل سعود که به سبب دشمنی با مذهب تشیع با استفاده از دلارهای نفتی با کمک مالی فراوان سعی در نفوذ و گسترش وهابیت و جلب مردم استان به سوی خود را دارد و همچنین امارات متحده عربی نیز که سال های است با تحریک استعمارگران بر سر ۳ جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک و ابو موسی با جمهوری اسلامی ایران دارای اختلاف می باشد در ابتدا با کمک های مالی فراوان و گروه طالبان و سایر گروههای تند رو اهل سنت استان سعی در اختلال در امنیت استان و کشور را داشته است و البته در این سال ها از ورود فرقه های متعدد در سطح استان سیستان و بلوچستان از قبیل : فرقه بریلوی، اندیشه افراطی دیوبندی، ذکری ها، اهل حدیث مودودی فروگذار نکرده اند که خود باعث دامن زدن بیش از پیش بر مسائل قومی و مذهبی در استان شده است. (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۶۴)

## ۳- اختلافات سیاسی و شکاف در حکومت مرکزی و تاثیر آن بر واگرایی های قومی و مذهبی

بانگاهی به تاریخ پرفراز و نشیب کشورمان در میابیم در بیشتر موارد یکی از علل شکست در برابر تهاجمات خارجی و یا بروز مسائل امنیتی در مناطق قومی و طایفه ای در داخل کشور ضعف در دولت مرکزی در ایجاد اتحاد و در نتیجه گسست قومی در کشور بوده است. از طرفی وجود اقوام و طوایف گوناگون در سطح استان سیستان و بلوچستان به عنوان یک نمونه عینی و روحیات استقلال طلبی آنها و تلاش دشمنان در آن سوی مرز به ویژه در کشور پاکستان که مردمانش دارای غرابت فرهنگی و اجتماعی بسیار زیادی با قبایل و طوایف مرز نشین استان سیستان و بلوچستان می باشند برای ایجاد تفرقه در بین اقوام و وجود مسائل و مشکلات متعدد در راس حکومت و عدم کنترل مناسب بر مناطق طایفه ای در درجه اول منجر به ایجاد تفرقه و اختلاف بین طوایف استان با دولت مرکزی و در درجه دوم باعث افزایش اختلاف در بین خود اقوام و در نهایت باعث افزایش ناامنی و بی ثباتی در سطح استان خواهد شد. لذا اقوام و طوایف استان سیستان و بلوچستان که به لحاظ نوع زندگی و نحوه ارتزاق همواره دارای اختلافاتی با دولت مرکزی بوده اند ممکن است در این راستا از اختلافات به وجود آمده در راس حکومت و عدم توانایی دولت برای یکپارچه سازی و تسلط بر مناطق قوم نشینی مانند سیستان و بلوچستان سوء استفاده کرده و همواره به عنوان یکی پتانسیل ایجاد ناامنی مورد استفاده دشمنان قرار گیرد. که در این مورد می توان به مسائل سیاسی به وجود آمده در سال های گذشته در این استان اشاره کرد به گونه ای که برخی از جریان های سیاسی داخلی در رقابت های سیاسی و انتخاباتی با علم به

این موضوع بادامن زدن به اختلافات قومی طایفه ای باشعار های احقاق حقوق به اصطلاح ازدست رفته آنان سعی در جذب آراء این طوایف را داشته که به عنوان مثال در انتخابات سال ۸۸ اکثر طوایف و قبایل اهل تسنن استان به صورت یکپارچه به جناح مخالف (میرحسین موسوی) رای ولذا این موضوع علاوه بر اینکه باعث بالابردن سطح توقعات در میان این اقوام می گردند، نشان دهند این موضوع می باشد که اقوام بلوچ دارای گرایشات واگرا با دولت مرکزی بوده و در صورتی که یک طیف و یا جناح سیاسی وعده ای برای برآورده شدن خواسته های قومی طایفه ای آنها بدهد بدون توجه به اهدافشان از آنها حمایت خواهند کرد. البته در این زمینه یکی از اقدامات مثبت دولت مرکزی در سال های اخیر طرح شهید شوشتری بود که در صدد ایجاد اتحاد بین اقوام و طوایف استان سیستان و بلوچستان به ویژه در مناطق جنوبی استان بود که در مراحل اولیه دستاوردهای بسیار مثبتی را در پی داشت و نیاز است که مجددا این گونه طرح ها با قوت و برنامه ریزی دقیق تر و منسجم تری پیگیری شود.

## نتیجه گیری

باعنایت به کلیه موارد ذکر شده در این تحقیق و با توجه به موقعیت و تعدد اقوام و طوایف در استان سیستان و بلوچستان و با عنایت به روحیات و تفکرات خاص آنها و همچنین شرایط موجود در کشور پاکستان و قرابت فرهنگی واجتماعی اقوام در دوسوی مرز و همچنین تلاش دشمنان نظام و انقلاب برای ایجاد اختلافات اساسی قومی و مذهبی در سطح استان که در این خصوص در سال های گذشته اقدام به ایجاد و حمایت از تعدادی از گروهک های معاند از قبیل گروهک خلق بلوچ، جبهه آزادی بخش بلوچستان حزب دمکراتیک بلوچستان، جنبش آزادیبخش مردم بلوچ، سازمان چریک های فدایی خلق اقلیت، حزب اتحاد المسلمین، حزب الفرقان، سپاه محمد رسول الله (ص) و گروهک تروریستی جندالشیطان نمودند به هر نحو ممکن تلاش نمودند ضمن تحریک اقوام و طوایف گوناگون استان باعث ایجاد و بروز ناامنی های گسترده در سطح استان بشوند. لذا با توجه به تاثیر گذاری بالای اقوام و طوایف استان سیستان و بلوچستان در بحث مسائل امنیتی ممکن است کوچکترین بی توجهی به مسائل و مشکلات اقوام و طوایف در سطح استان باعث درآمیختن اختلافات قومی و مذهبی با یکدیگر شده و عواقب سوء امنیتی را برای استان و در درجه بعدی برای کشور در پی داشته باشد. لیکن می توان با به اجرا گذاشتن سیاست های راهبردی نقاط ضعف را به نقاط قوت تبدیل نمود. علیهذا در این قسمت به بیان برخی راهکارها و پیشنهادات می پردازیم:

## راهکارها و پیشنهادات

- ۱- به نظر می رسد در این زمینه ابتدا می توان از طریق ایجاد زمینه های اقتصادی شروع نموده به نحوی که با ایجاد زمینه جذب و اشتغال جوانان از اقوام و طوایف مختلف در ادارات دولتی به نحوی آنها را وارد چهارچوب ها و مکانیزم های کنترل اداری و دولتی نمود و آنها را وام دار دولت و نظام حاکم کرد که این خود باعث می شود که اولاً سطح فرهنگ در بین جوانان این اقوام بالا رفته و از طرفی چون از لحاظ درآمدی به دولت وابسته هستند خود به خود قانون مدار و منظم نیز خواهند شد و همچنین می توان از طریق ایجاد بنگاههای زود بازده و گسترش صنایع دستی از گرایش افراد در اقوام مختلف به سمت وسوی کسب درآمدهای خلاف ممانعت به عمل آورد.
- ۲- از نظر فرهنگی نیز می توان از طریق شناسایی و جذب مولوی های هم سو با حکومت و دعوت از آنها در جلسات و سمینارها و صدا و سیمای استانی برنامه های فرهنگی دولت را پیگیری نموده و اقوام و طوایف بلوچ را بدین وسیله جذب رسانه های خارجی نموده تا از افتادن به دام تبلیغات سوء و تفرقه افکنانه رسانه های خارجی جلوگیری به عمل آید.
- ۳- می توان از طریق برگزاری جلسات متعدد و مکرر سران و قبایل و طوایف ضمن مشارکت دادن آنها در بحث های امنیتی استان باعث افزایش اعتماد آنها به نظام و همچنین وادار کردن آنها به برقراری امنیت در سطح قبایل و طوایف خود نمود که البته در سال های اخیر نیروی انتظامی این سیاست را در دستور کار خود قرار داده و در این راستا موفقیت های خوبی را نیز بدست آورده است.

- ۴- افزایش رایزنی میان کارگزاران نظام و نخبگان شیعه و سنی حوزه علمیه و مراجع تقلید، به منظور اطلاع رسانی به آنان از اهداف مشترک غرب، برای تغییر مهندسی بافت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران.
- ۵- جلوگیری از اقدامات تحریک آمیز و افراط و تفریط در مراسم قومی مذهبی .
- ۶- آسیب شناسی موارد تنش زای قومی - فرقه ای، در داخل استان و تلاش در جهت رفع آنها.
- ۷- تقویت زیرساختهای فرهنگی و ترویج فرهنگ همگرایی میان اقوام و طوایف در استان.
- ۸- بستر سازی برای افزایش مشارکت سیاسی اقوام و طوایف در استان.
- ۹- پرهیز از هرگونه اختلاف افکنی و جو سازی های بیهوده بر علیه اقوام و طوایف در سطح استان.

## منابع و ماخذ

- ۱- حجت‌الله ایوبی، «شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول (۱۳۷۷)، ص ۲۵.
- ۲- سیمای تاریخی بلوچستان، عبدالغنی دامنی، انتشارات پاسارگاد، تهران، (۱۳۸۰)، ص: ۲۷.
- ۳- زندگی، ابراهیم، بحران قومی و وحدت ملی: الگوی سیاست قومی درج.ا.ایران، فصلنامه فرهنگ اندیشه، سال سوم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان (۱۳۸۰):
- ۴- احمدی، حمید، قومیت و قوم گرایی در ایران، چاپ دوم، انتشارات نی، (۱۳۷۹)، ص: ۸۵.
- ۵- افشاری، ایراج، بلوچستان و تمدن دیرینه آن، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۶۳)، ص: ۳۹.
- ۶- براهویی، نرجس خاتون، نگاهی به فرهنگ و مردم بلوچستان، فصلنامه مطالعات ملی، سال نخس، شماره یکم، (۱۳۷۸)، ص: ۱۱.
- ۷- تاجیک، محمدرضا، تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات، چاپ اول، انتشارات وزارت امور خارجه، (۱۳۸۰)، ص: ۴۲.
- ۸- جلایی پور، حمید رضامباحث پایه، هویت ملی و اقوام ایرانی در عصر خیزش قومیت ها، مجله سیاست خارجی، (۱۳۷۵)، ص: ۳۱.
- ۹- شه بخش، عظیم، مرزهای سیاسی بلوچستان، فصلنامه گفتگو، تیرماه، (۱۳۷۷)، ص: ۸.
- ۱۰- شیخاوندی، نوروز نماد همبستگی اقوام ملی ایران، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲ و ۳، زمستان و بهار، (۱۳۷۹)، ص: ۱۴۰.
- ۱۱- غراب، کمال الدین، بلوچستان یادگار مترود قرن، چاپ دوم، سازمان انتشارات کیهان، (۱۳۶۴)، ص: ۱۶۰.
- ۱۲- کریم پور، یدالله، پایان نامه دکترای جغرافیایی سیاسی، تحلیل نواحی ژئوپلیتیکی و بحرانی سیستان و بلوچستان، دانشگاه تربیت مدرس، (۱۳۷۱)، ص: ۱۲۱.
- ۱۳- محقر، احمد، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، فرقه گرایی در پاکستان، دانشگاه تربیت مدرس، (۱۳۸۲)، ص: ۹۵.
- ۱۴- ساعی، احمد، مسائل سیاسی اقتصادی جهان سوم، انتشارات سمت، تهران، (۱۳۸۸)، ص: ۴۲.
- ۱۵- مجتهدزاده، پیروز، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، چاپ اول، انتشارات سمت، (۱۳۸۱)، ص: ۳۸.
- ۱۶- استانداری استان سیستان و بلوچستان، دفتر تقسیمات، ۱۳۷۹.



# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله